



زنان جهان و مبارزه بر ضد "جهانی شدن" و جنگ!

* گزارشی از چهاردهمین کنگره فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان
* بخش هائی از پیام تشکیلات دموکراتیک زنان ایران به کنگره چهاردهم "فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان"



شماره ۷۶۴، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۶

آوریل) در کاراکاس، پایتخت ونزوئلا، برگزار شد. این کنگره فدراسیون که پس از ۶۰ سال فعالیت آن برای اولین بار در خاک قاره آمریکا برگزار می شد، پذیرای بیش از ۱۰۰۰ نماینده از ۱۶۵ سازمان منطقه ای، ملی و بین المللی از ۸۴ کشور جهان بود. شرکت زنان از ۱۸

چهاردهمین کنگره فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان با شعار "زنان جهان، نیرویی حیاتی بر ضد جهانی سازی نولیبرالی، تروریسم دولتی و جنگ های امپریالیستی، مدافع برابری، عدالت اجتماعی و اقتصادی، و صلح" در روزهای ۲۴-۲۰ فروردین ماه (۹ تا ۱۳

ادامه در صفحات ۴ و ۵

اتحاد نیاز مبرم جنبش کارگری و سندیکایی است!

امسال در روز جهانی کارگر، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما در اعتراض های گسترده و متحد و بررغم وجود فضای سرکوب و تشدید فشار، توانایی خود را به نمایش گذاشتند و ثابت کردند که در صورت همبستگی و اتحاد می توانند در برابر یورش های بی درپی مرتجعان به حقوق و منافع و دستاوردهای تاریخی خود، ایستادگی کنند. در روز اول ماه مه، حرکت خود جوش اعتراضی زحمتکشان که به صورت راه پیمایی به سمت میدان ۷ تیر تهران شکل گرفت بلافاصله با واکنش شدید نیروهای امنیتی و انتظامی روبه رو شد و کارگران معترض مورد ضرب و شتم و حمله نیروهای انتظامی قرار گرفتند. مخالفت با سیاست های دولت ضد کارگری احمدی نژاد و به خصوص برنامه های وزارت کار این دولت، در کنار شعارهایی بر ضد خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه و قراردادهای موقت، اخراج ها و جز اینها، توانایی و آگاهی طبقاتی زحمتکشان را در اوضاع حساس کنونی نمایان ساخت. به علاوه انتشار قطعنامه هیئت موسسان سندیکاهای کارگری به مناسبت اول ماه مه، که در نوزده بند خواست

ادامه در صفحه ۲

آزمون دشوار جنبش دانشجویی و نیروهای آزادی خواه کشور در مقابل تهاجمات فزاینده ارتجاع

ناپذیری از دستگاه رسمی و غیر رسمی سرکوب در میهن ماست، همگی نشانگر تنگ تر شدن حلقه های محاصره ارتجاع بر ضد جنبش مردمی به قصد یکسره کردن کار است. این کارزار گسترده در حالی سازمان دهی شده است که سران رژیم پشت سر شعارهای دروغین "دفاع از منافع ملی" به رجز خوانی، عوام فریبی و سیاست بازی در منطقه مشغولند. چگونه می توان این چنین وحشیانه به حقوق کارگران، زنان و دانشجویان کشور یورش برد، ده ها فعال کارگری، زنان و دانشجویان مبارز را به شکنجه گاه ها کشاند و انوقت مدعی دفاع از منافع ملی هم بود؟

روند حوادث ماه های اخیر روشنگر پدیده نگران کننده ای است که همه نیروهای آزادی خواه و دموکرات کشور باید با هوشیاری با آن برخورد کنند. سران رژیم از یک سو تلاش می کنند با پنهان شدن پشت شعارهای دروغین "ضد امپریالیستی" و "دفاع از منافع ملی"، و در عین حال به خاطر سیاست های ضد انسانی و جنگ طلبانه امپریالیسم، در منطقه و جهان برای خود کسب اعتبار کنند، و از سوی دیگر با تشدید فشارهای داخلی و متهم کردن هرگونه صدای مخالفتی با رژیم را به هم صدایی و همراهی با امپریالیسم متهم کنند و نیروهای سیاسی - اجتماعی کشور را با دشواری های جدی روبه رو کنند. پراکندگی نیروهای سیاسی، نبود همکاری سازمان یافته و منسجم نیروهای اجتماعی و نبود یک برنامه مبارزاتی روشن و واقع بینانه و منطبق بر

ادامه در صفحه ۶

ما در هفته های اخیر شاهد تشدید تهاجم گسترده ارتجاع و مزدوران تاریک اندیشی بر ضد نیروهای اجتماعی و دگراندیش خصوصاً دانشگاه ها، جنبش دانشجویی و جنبش معلمان کشور بوده ایم. روند کنونی برای کسانی که از نزدیک با حوادث کشور و سیاست های رژیم آشنا نیستند تعجب برانگیز نیست. از همان فردای انتخابات سراسر تقلب ریاست جمهوری و برگماری احمدی نژاد، به عنوان نامزد سرمایه داری بزرگ بازار و گروه های نظامی - انتظامی، روشن بود که ارتجاع همه امکانات خود را برای نابودی روند اصلاحات، سرکوب جنبش مردمی و همچنین بازگرداندن اوضاع به پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ به کار خواهد گرفت. ما در دو سال گذشته شاهد حرکت گام به گام ولی از پیش برنامه ریزی شده سران رژیم در زمینه تشدید فشارها بر ضد نیروهای اجتماعی: جنبش کارگری، و جنبش های مستقل و آزادی خواهانه زنان و دانشجویان کشور بوده ایم. تهاجم گسترده مزدوران امنیتی دولت جدید به نهادهای تشکل های مستقل کارگری و دستگیری صدها فعال جنبش کارگری و سپس تهاجم گسترده به فعالان جنبش زنان و سرکوب شدید فریاد آزادی خواهانه زنان میهن ما، که خواهان لغو قوانین اسارت بار و قرون وسطایی حاکم بر جامعه ما هستند، و در روزهای اخیر تهاجم گسترده نیروهای انتظامی و مزدوران و چماق داران "بسیج دانشجویی"، که بخش جدا

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه اتحاد ضرورت ...

های اصلی طبقه کارگر ایران را مورد تاکید قرار داده، میزان و سطح رشد و قوام جنبش سندیکایی زحمتکشان کشور را با وجود اوضاع بسیار نامساعد داخلی و خارجی هویدا ساخت، در این قطعنامه از جمله به احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهای مستقل، لغو ماده ۱۹۱ قانون کار، باز پس گیری لایحه اصلاح قانون کار، لغو قراردادهای موقت، توقف خصوصی سازی، افزایش دستمزدها، حمایت از حقوق زنان و کودکان کارگر و کارگران مهاجر، حمایت از مطالبات فرهنگیان و پرستاران و در کنار اینها مخالفت با جنگ و تحریم علیه ایران، دفاع و پشتیبانی از جنبش های صلح طلبانه در سراسر جهان و خواست به حق اصولی خروج نیروهای نظامی آمریکا و متحدانش از منطقه اشاره و بر آنها تاکید شده است.

در قسمتی دیگر از قطعنامه هیئت موسسان سندیکاهای کارگری آمده است: "کشور ما لحظات حساسی را می گذراند، کارگران ایران باید در کنار مبارزات سازمان یافته صنفی و روزمره خود، نسبت به اوضاع کنونی کاملاً آگاه باشند. جریاناتی که تا دیروز کوچکترین حرکت کارگری را محکوم می کردند امروز به طرفداران دو آتشه طبقه کارگر تبدیل شده اند. این جریانات در تلاشند تا جنبش کارگری را به سود خود به این سو و آن سو بکشانند. مهم ترین عاملی که می تواند این تلاش ها را عقیم گذارد، آگاهی صنفی - طبقاتی است و این آگاهی می باید همزمان با سامان یابی کارگران در سازمان های سندیکایی توسعه یابد."

در کنار انتشار این قطعنامه، در آستانه اول ماه مه، امسال نیز چند سندیکای فعال مانند سندیکای کارگران شرکت واحد و موسسان سندیکاهای کارگری فلز کار و مکانیک، نقاش، خیاط و کفاش، در نامه ای رؤس خواست های صنفی کارگران را به وزیر کار اعلام داشتند و بر خواست احیای تشکل های مستقل صنفی (سندیکاها) و مخالفت با خصوصی سازی و گسترش قراردادهای موقت انگشت گذاشتند.

این اقدامات به ویژه قطعنامه هیئت موسسان سندیکاهای کارگری تحت عنوان رؤس خواست های طبقه کارگر ایران از اهمیت جدی و اصولی برخوردار هستند. باید کوشید با هوشیاری این اقدامات و تلاش ها به یکدیگر پیوند خورده و تمام نیروها و امکانات جنبش سندیکایی در دوره ای فوق العاده حساس و حیاتی در یک صف متشکل و تجهیز شوند. پراکندگی، به هر دلیل، مانع از رشد و گسترش جنبش سندیکایی در لحظه حاضر خواهد بود و این نکته ای است که نباید آنی از نظر دور داشت. رژیم ولایت فقیه در ارتباط با جنبش سندیکایی از سیاست مشخصی پیروی کرده و می کند. این سیاست با توجه به فعل و انفعالات صحنه سیاسی و رخدادهای متنوع داخلی و خارجی شکل و سمت و سوی معینی به خود می گیرد. درست به این دلیل نباید گذاشت جنبش کارگری - سندیکایی در برخورد با تحولات پرشتاب و بسیار پر اهمیت کنونی، دچار پراکندگی و تفرقه شود. زیرا در این صورت مرتجعان حاکم و بطور کلی جناح بندی های گوناگون حکومتی جنبش کارگری و سندیکایی را در جهت منافع خود خنثی و مهار کرده و از آن به سود مقاصد سیاسی بلند مدت و کوتاه مدت خود بهره برداری خواهند کرد. ما بارها تاکید کرده ایم که، جنبش کارگری و سندیکایی در اوضاعی نامساعد فعالیت می کند. ارتجاع و

امپریالیسم با تمام توان قصد تاثیر گذاری بر آن به سود اهداف خود را دارند، به همین دلیل وحدت زحمتکشان با همه اختلافات ایدئولوژیک موجود اهمیت حیاتی دارد. آنچنان اهمیتی که بقاء و تداوم مبارزه کنونی بدان وابسته است! یک مثال در این زمینه شاید خالی از فایده نباشد. روزنامه کارگزاران که مبلغ و مدافع سیاست های ضد کارگری تعدیل اقتصادی و اصلاح ساختار اقتصادی بوده و هست در سر مقاله خود به تاریخ ۱۱ اردیبهشت امسال تحت عنوان "چرا اعتصاب؟" از جمله می نویسد: "همین اول نوشته، بگویم که سهیلا جلودار زاده و روزنامه کارگزاران نمی توانند طرفدار تعطیل کار و توقف تولید باشند. پس باید پرسید چرا جلودارزاده حق اعتصاب را برای کارگران مطالبه می کند و کارگزاران این پیشنهاد را به عنوان تبتیر نخست خود بر می گزینند؟... اعتصاب یکی از رفتارهای ارادی کارگران و دست به قضا صادقانه ترین و کم ضرر ترین آنهاست... در بسیاری از کشورها که اتحادیه های کارگری پر قدرت دارند، پیش از اعتصاب تذکر داده می شود و معمولاً با مصالحه کارگران و کارفرمایان اعتصاب منتهی می شود... رابطه اعتصابیون با دولت در همه کشورها یکسان نیست. هر قدر بخش خصوصی قدرتمند تر و دولت کوچک تر باشد، رنگ سیاسی اعتصاب کمتر می شود. آزادی تشکیل سندیکاها و اتحادیه های مستقل و متعدد [به متعدد خوب و دقیق توجه شود] از جمله عواملی است که خطر سیاسی شدن اعتصاب را کاهش می دهد. زیرا کارگران عضو اتحادیه ها و سندیکاها حق اقدام فردی و احیاناً رادیکال را ندارند. یکی از تصمیم های رایج اتحادیه ها و سندیکاها مصالحه با کار فرماست. این مصالحه حتی گاهی به کاهش دستمزد ها منجر می شود. یکی از مثال های رایج در این زمینه مصالحه اتحادیه های کارگری با شرکت هواپیمایی یونایتد ایرلاینز در آمریکا است... سپس در پایان این سر مقاله که باید با دقت به آن توجه داشت آمده است: "بنابراین می بایست آنچه را که سهیلا جلودارزاده گفته و کارگزاران بازتاب داده، راه حلی برای پیگیری آشتی جویانه مطالبات کارگران ارزیابی کرد."

حمایت کارگزاران و جناح های رژیم از به اصطلاح حق اعتصاب نه تنها صادقانه نیست، بلکه اهداف معینی را دنبال می کند. حفظ هوشیاری طبقاتی، دفاع از استقلال جنبش سندیکایی در برابر چنین ترفندهایی به علاوه استفاده هوشمندانه از تحولات صحنه سیاسی و نیز مبارزه بر ضد دولت ضد کارگری احمدی نژاد در لحظه حاضر و جز اینها. فقط و فقط با اتحاد و همبستگی و دوری گزیدن از تفرقه و پراکندگی امکان پذیر است. چند دستگی، دوری و تفرقه به سیاست مهار و خنثی سازی جنبش مستقل سندیکایی زحمتکشان که از سوی جناح های معینی دنبال می شود، یاری می رساند!

و در نتیجه این امکان را که در سایه تفرقه، جنبش سندیکایی و یا بخش هایی از آن مورد سوء استفاده ارگان ها و جناح های حکومتی قرار بگیرند افزایش جدی پیدا می کند.

جنبش کارگری و سندیکایی به اتحاد و به وحدت بر پایه منشور جهانی حقوق سندیکایی به منظور سازماندهی جنبش بر پایه صحیح طبقاتی نیازمند است. فقط با اتحاد می توان سازمان سندیکایی سراسری، نیرومند، مستقل و مردمی که همه مزد بگیران را شامل می شود ایجاد کرد و بر مخاطرات موجود در برابر جنبش سندیکایی زحمتکشان با کمترین هزینه ها غلبه کرد.

کارگران زندانی را آزاد کنید!

به دنبال سرکوب خشن تظاهرات مسالمت آمیز گروهی از کارگران و زحمتکشان در شهر سنج، مرکز استان کردستان ایران، نیروهای انتظامی و سپاه و بسیج عده ای از کارگران و فعالان کارگری این شهر را باز داشت و روانه زندان ساختند. تظاهرات اول ماه مه شهر سنج، یک اقدام غیر قانونی از سوی زحمتکشانی که فقط و فقط خواستار تامین بدیهی ترین حقوق خود هستند قلمداد نمی شود، و تبلیغات رژیم ولایت فقیه در این خصوص که حرکت مذکور را تشنج آفرین، سیاسی و امنیتی معرفی می کند بی پایه و در راستای اهداف سرکوب گرانه آن است.

کارگران ایران و از جمله زحمتکشانی که در شهر سنج در گردهمایی روز جهانی کارگر مورد حمله مزدوران ارتجاع قرار گرفتند، حق دارند تشکل های مستقل صنفی، سندیکاهای خود را داشته و در چارچوب این تشکل ها به شکل قانونی فعالیت کنند. سرکوب تظاهرات کارگران و تشدید فشار به فعالان جنبش سندیکایی بخشی از برنامه دولت ضد مردمی احمدی نژاد بر ضد جنبش سراسری دموکراتیک مردم میهن ماست و در پیوند مستقیم با رویدادهای اخیر کشور و یورش به زنان و جوانان و دانشجویان قرار داشته و دارد.

ابلاغیه اصل ۴۴ و خصوصی سازی صنعت نفت

گویند اصلاحاتی را در قرار دادها انجام داده اند تا نظر شرکت های سرمایه گذاری تامین شود" این "اصلاحات" بنابر سخنان صریح یکی از روسای ارشد شرکت ملی نفت ایران که در همایش وین حضور داشت از جمله چنین است: "سود مورد نظر ایران از قراردادهای نفت و گاز از ۳۰ درصد به ۲۰ تا ۱۵ درصد کاهش پیدا کرده و شاخص تجاری و سودمند بودن میدان نفتی نیز به منظور حمایت از سرمایه گذار از ۱۵ سال به ۲۰ سال افزایش یافته است."

همان زمان روزنامه کارگزاران، ۱۵ بهمن ماه سال ۱۳۸۵، در تایید این سیاست نوشت: "در حالی که ایران در روزهای گذشته در وین دور جدیدی از مزایده میدادن نفتی را برگزار کرده رسانه های خارجی معتقدند که در دور جدید شرایط قرار دادی جذاب تری برای سرمایه گذاران خارجی مطرح شده، مصطفی زین الدین مدیر امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران در این خصوص گفت براساس مفاد جدید قراردادی، ایران به شرکت های بین المللی امکان می دهد که به عنوان تامین کننده خدمات برای دوره کامل عمر میدان نفتی باقی بمانند. تغییر دیگری که اعمال شده، در زمینه هزینه سرمایه ها پس از آنکه شرکت های بین المللی قراردادهای توسعه را در اختیار پیمان کاران ثانوی می گذارند، است، بدین ترتیب این مساله ریسک برآورد هزینه ها را پیش از آنکه قرار داد پروژه امضا شود با توجه به میزان تورم کاهش خواهد داد."

معنا و مفهوم تامین کننده خدمات برای دوره کامل عمر میدان نفتی که در سخنان این مدیر شرکت ملی نفت ایران بر آن تاکید شده چیست؟ چرا به شرکت های فراملی به سادگی این امکان داده شده و می شود که تا پایان عمر یک میدان نفتی در آن حضور و فعالیت داشته باشند؟ آیا این بدان معناست که رژیم ولایت فقیه بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ به خواست انحصارهای امپریالیستی که مبتنی بر مشارکت در تولید و مالکیت گردن نهاده و صنعت ملی نفت ایران به دوران قبل از قانون ملی شدن بازگردانده شده است؟ در همین زمینه عده ای از سرمایه داران متشکل در اتاق بازرگانی و مرتبط با رژیم، با حمایت شرکت های وابسته به آستان قدس رضوی و بنیاد مستضعفان، با سرمایه ای بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد تومان و تحت نام کوشش برای اجرایی کردن اصل ۴۴ شرکت "سرمایه گذاری ایرانیان" را پایه گذاشته و در اولین قدم قصد دارند به جای وزارت نفت با سه شرکت چینی در سطح کلان همکاری کرده و در پروژه های نفتی فعالیت کنند. خاموشی، رییس اتاق بازرگانی، در این مورد با صراحت خاطر نشان ساخته است: "با ابلاغیه رهبری، کشور به سمت خصوصی سازی در حرکت است، در راستای اجرایی کردن اصل ۴۴، دولت موظف است تمامی فعالیت های اقتصادی را ظرف مدت ۵ سال به بخش غیر دولتی واگذار کند، قانون جدید جذب سرمایه در چارچوب ابلاغیه اصل ۴۴ هیچ تفاوتی میان یک سرمایه گذار خارجی که شرکت او در ایران ثبت شده و یک سرمایه گذار ایرانی نمی گذارد. شرکت های سرمایه گذار می توانند ۱۰۰ درصد سهام یک بخش را دارا باشند. اصل و سود سرمایه خارجی در ایران توسط دولت تضمین می شود. مالیات شرکت ها را از ۶۵ به ۲۵ درصد کاهش داده ایم به علاوه تا ۲۰ سال آینده سرمایه گذاری در برخی مناطق کشور از پرداخت هر گونه مالیاتی معاف است."

نقطه مرکزی و گرهی این خصوصی سازی صنعت نفت ایران است که به گفته مسئولان رژیم قرار بر این شده که تا ۶ سال آینده خصوصی شود. ارتجاع حاکم با ابلاغیه اصل ۴۴ چوب حراج بر ثروت ملی میهن زده است. آنانکه ریاکارانه دم از تامین حقوق مردم و ضرورت دستیابی به فن آوری هسته ای می زنند، چرا به ضرورت ملی ماندن و ملی بودن صنعت نفت ایران این شاهرک حیاتی اقتصاد ملی، در برابر انحصارهای امپریالیستی پافشاری نکرده و به درخواست های سودجویانه و مغایر با منافع ملی، گردن می نهند؟! خصوصی سازی صنعت نفت اقدامی آشکارا بر ضد منافع ملی و حقوق مردم ایران محسوب می شود.

دراواخر فروردین ماه سال جاری، دوازدهمین نمایشگاه نفت، گاز و پتروشیمی ایران، با حضور تعدادی از بزرگترین شرکت های نفتی اروپایی و آسیایی در تهران برگزار شد. رسانه های همگانی داخلی و خارجی جریان این نمایشگاه را به شکل وسیع بازتاب دادند، از جمله شبکه "بی بی سی" انگلستان در گزارش مفصلی در این باره نوشت: "شرکت های بزرگ اروپایی و آسیایی که در غیاب رقبای آمریکایی خود بازیگران اصلی پروژه های نفتی ایران هستند، حضور پررنگی در نمایشگاه داشتند، این شرکت ها اگر چه به دلیل تحریم و ادامه مناقشه هسته ای تمایلی به شروع کار تازه در ایران ندارند. با این حال می کوشند فعلا بازار ایران را حفظ کنند بلکه تحرکی در پروژه های نفتی ایران ایجاد شود."

شبکه خبر پراکنی انگلستان در ادامه گزارش خود تاکید می کند: "استقبال شرکت های داخلی و خارجی از نمایشگاه نفت و گاز تهران نشانه درک نیازهای صنعت نفت ایران برای توسعه است و حضور چشمگیر آنها نشان می دهد که این شرکت ها امیدوارانه چشم به آینده دوخته اند تا تب ناشی از پرونده هسته ای فرونشیند و دولت نیز برنامه خود را برای توسعه صنعت نفت ارایه کند..."

از دیگر سو معاون وزیر نفت دولت احمدی نژاد در سخنانی، ضمن اشاره به حضور بیش از ۱۳۰۰ شرکت داخلی و خارجی در دوازدهمین نمایشگاه یاد آوری کرد: "مهمترین هدف این نمایشگاه جلب سرمایه گذاری خارجی و جلب مشارکت برای اجرای پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی است." همچنین معاون احمدی نژاد، در سخنرانی مراسم افتتاحیه این نمایشگاه از حضور شرکت های خارجی در تهران استقبال کرده و با صراحت اعلام داشت: "حضور شرکت های خارجی نشان می دهد، آنها به فکر مصالح و منافع بلند مدت هستند." به دنبال بر پایی دوازدهمین نمایشگاه، مقامات رژیم ولایت فقیه از موفقیت جمهوری اسلامی در جلب و جذب سرمایه خارجی برای توسعه میدادن نفتی سخن به میان آورده و قرارداد ۳۰ میلیارد دلاری ایران و اتریش در خصوص صدور نفت به اروپا و تاکید هیئت مدیره شرکت ژاپنی اینپکس بر تداوم مشارکت در میدان نفتی عظیم آزادگان را دلایل این کامیابی، پس از اعمال فشارهای شورای امنیت معرفی ساختند! در کنار این اخبار و گزارشات و در پیوند با آن مسئول ستاد اصل ۴۴ وزارت نفت که وظیفه آن عملی ساختن ابلاغیه ولی فقیه در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی است، خاطر نشان کرد: "صنعت نفت ۶ ساله خصوصی می شود." خبرگزاری مهر به تاریخ ۴ اردیبهشت ماه در این باره چنین گزارش داد: "صنعت نفت در سال جاری خود را برای خصوصی سازی آماده می کند تا بتواند تا ۶ سال آینده به اهداف خود دست یابد." وی سپس ادامه داد: "امید است از سال آینده روند خصوصی سازی در صنعت نفت بهتر شود. برای خصوصی سازی باید بستر مناسب ایجاد شود و برای این منظور باید از یک زمان مشخصی کار را شروع و در مدت مشخصی به پایان رساند. خصوصی سازی (به ویژه صنایع نفت و گاز) مهمترین اصل برای دست یافتن به چشم انداز ۲۰ ساله است."

به این ترتیب می توان به خوبی مفهوم این جمله را که خبرگزاری های خارجی به عنوان علت حضور شرکت های بزرگ نفتی در نمایشگاه نفت، گاز و پتروشیمی تهران مخبره کردند، درک و دریافت کرد. این جمله عبارت بود از: "این شرکت ها [انحصارهای نفتی] امیدوارانه چشم به آینده دوخته اند می کوشند فعلا بازار ایران را حفظ کنند بلکه تحرکی در پروژه های نفتی ایران ایجاد شود..."

و صد البته این "تحرک" که چشم های تیز انحصارهای امپریالیستی بدان امیدوارانه دوخته شده، چیزی نیست جز خصوصی سازی بر اساس ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی! پیش از این، در جریان همایشی که رژیم ولایت فقیه تحت عنوان فرصت های سرمایه گذاری در ایران، در شهر وین، پایتخت اتریش، برگزار کرده بود، اعلام شد: "مقام های ایرانی می

**آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!**

ادامه زنان جهان بر ضد ...

کشور آفریقای، ۸ کشور آسیایی و ۱۱ کشور از خاورمیانه از یک سو گواه گستردگی جهانی این گردهمایی بود، و از سوی دیگر، شرایطی را که زنان این کشورها با آنها رو به رو هستند در بحث های کنگره منعکس می کرد. بیشتر نمایندگان شرکت کننده در کنگره چهاردهم از کشورهای قاره آمریکا و اروپا آمده بودند.

کنگره چهاردهم فدراسیون در روز ۹ آوریل با سخنرانی خانم "مارسیا کامپوس"، رهبر برزیلی آن در رابطه با ضرورت مبارزه برای پایان دادن به "جنگ برای نفت" و "سیستم سرمایه داری که هیچ علاقه ای به حل مشکلات بشریت ندارد"، آغاز شد. خانم کامپوس اظهار اطمینان کرد که کنگره چهاردهم بهترین کنگره فدراسیون از زمان سقوط کشورهای سوسیالیستی در شرق اروپا خواهد بود. او گفت که "امروز ما بار دیگر رویا های خود را باز تولید می کنیم." او تاکید کرد که کنگره زنان دمکرات جهان باید "تعیین کند که چه بکنیم که سربازان آمریکایی از عراق خارج شوند، نقطه پایانی بر خشونت های درون خانواده گذاشته شود، و رهایی کامل زنان از بندهایشان تامین شود. مبارزه بر ضد جنگ های امپریالیستی بخشی از مبارزه است که ما در مخالفت با همه انواع سرکوب و خشونت در آن شرکت داریم، و برای اینکه زنان در هر کشوری به عنوان شهروندان درجه یک شناخته شوند."

رهبری "فدراسیون" رسماً از "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران"، که از اعضای قدیمی آن می باشد، برای شرکت در کنگره چهاردهم دعوت کرده بود. "تشکیلات دموکراتیک" زنان شورمان در پیامی به کنگره به بررسی وضعیت زنان میهن مان و شرایط جامعه در تحت حاکمیت تمامیت گرا، ارتجاعی و خو کرده به تمایلات برتری طلبی جنسی و ارتباط کارزار مشخص صنفی زنان و مبارزه بر ضد جنگ و بهره کشی را مورد بررسی قرار داد. بخش هایی از این پیام در این شماره نامه مردم منتشر شده است.

علاوه بر پنج جلسه عمومی، چندین کمیته کار تخصصی کنگره، و یک کنفرانس تمام روز که به موضوع زنان جوان اختصاص داشت، ده کارگاه آموزشی نیز به عنوان بخشی از برنامه کار کنگره تشکیل شد. از جمله موضوع های مورد بحث در بخش های مختلف عبارت بودند از: تأثیر منفی جهانی سازی نولبرالی بر زنان؛ مبارزه زنان و تأثیر تروریسم دولتی، و جنگ امپریالیستی، و پیکار زنان در راه استقلال ملی؛ پیش بردن موضوع برابری، و حق کار، درمان و بهداشت، آموزش، و تأمین اجتماعی؛ دفاع از فرهنگ و برابری حقوق زنان بومی و آفریقایی تبار؛ و دگرگون کردن نقش رسانه ها در ارائه تصویر منفی از زنان.

ریشه های ستم بر زنان

شاید بتوان گفت که جالب ترین بحث ها در مورد ریشه های مادی ستم بر زنان و چگونگی مبارزه ای که برای از میان برداشتن آن ضروری است، در کارگاه آموزشی "فدراسیون، فمینیسم، و نظریه جنسیت" صورت گرفت.

به گفته کارولینا اگیلار از فدراسیون زنان کوبا، "برای داشتن برابری جنسی، لازم است که نظام اجتماعی جدیدی ساخته شود." او اشاره کرد که انقلاب سوسیالیستی روابط اجتماعی را در کوبا دگرگون کرد و درها را برای زنان، و مردان، برای تغییر وضعیت و جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان باز کرد. گستره آنچه در کوبا در مدت ۵۰ سال مبارزه انقلابی برای تأمین برابری زنان تغییر کرده است، فراتر از هر جای دیگری از دنیاست.

کنگره "تاریخچه فدراسیون و نقش آن در دفاع از حقوق زنان، استقلال ملی، عدالت اجتماعی، دموکراسی، و صلح" یکی از جالب ترین نشست ها از لحاظ سیاسی بود. متن نوشته سخنرانی اصلی که توسط یولاندا فریر، دبیر کل فدراسیون زنان کوبا ارائه شد، در اختیار همه شرکت کنندگان قرار داده شد. فریر در سخنرانی اش

اشاره کرد: فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان در سال ۱۹۴۵ درست پس از پایان گرفتن جنگ جهانی دوم بنیان گذاشته شد.

او در ادامه سخنرانی اش بر اهمیت انقلاب های ضد استعماری و ضد سرمایه داری در آفریقا و آسیا در دهه های پس از جنگ جهانی دوم، و پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹، در گسترده کردن افق فکری فدراسیون تاکید کرد، و نیز این که این رخدادها آغازگر توجه بیشتر فدراسیون به پیکار زنان در کشورهای زیر یوغ امپریالیسم بود.

رفیق کوبائی سپس فاش کرد که پس از فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی در دهه ۱۹۹۰، فدراسیون در راه باز سازی برنامه فعالیت هایش با دشواری های بزرگی رو به رو شد. در مقابله با این وضعیت، ابتکارهای منطقه ای فدراسیون زنان کوبا و دیگر سازمان های مانند آن، از جمله "گردهمایی بین المللی همبستگی زنان" که با شرکت ۳۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۸ در هاوانای کوبا برگزار شد، نیروهای تازه و گسترده تری را که برای حقوق زنان پیکار می کنند به میدان آورد و به بازسازی فدراسیون یاری رساند.

فدراسیون زنان کوبا و دفتر منطقه آمریکای لاتین فدراسیون در هاوانا زحمت زیادی را برای تدارک و رهبری و تضمین موفقیت کنگره چهاردهم کشیدند. موفقیت کنگره را می توان در این واقعیت دید که این کنگره برای نخستین بار در آمریکای لاتین برگزار شد، و با شرکت گسترده نمایندگان سازمان های زنان از سراسر جهان، بزرگ ترین کنگره از سال ۱۹۹۱ به بعد بود. دولت ونزوئلا بطور ویژه ای از روند برگزاری کنگره چهاردهم از همه نظر حمایت کرد و منابع لازم را برای پیشبرد کار کنگره در اختیار آن قرار داد. این چندان غیر طبیعی نمی باشد که از جمله میزبانان کنگره، شماری از سازمان های زنان ونزوئلا بودند که هفته های اخیر سرگرم بحث و گفتگو درباره ایجاد یک جنبش متحد زنان هستند.

در پایان کنگره، نمایندگان و مهمانان کنگره همچنین در راهپیمایی یک میلیون ۱۳ آوریل [۲۴ فروردین] در کاراکاس به مناسبت پنجمین سالگرد شکست کودتای آمریکایی بر ضد پرزیدنت هوگو چاوز شرکت کردند. یکی از نشست های کنگره، که به گفتگو و تبادل نظر با چاوز اختصاص داشت، روز ۲۳ فروردین به طور زنده در برنامه "سلام پرزیدنت" از تلویزیون پخش شد.

کنگره چهاردهم مجدداً مارسیا کامپوس، از "فدراسیون زنان برزیل" و "جنبش انقلابی ۸ اکتبر" را به عنوان رییس فدراسیون انتخاب کرد. بر اساس اساسنامه فدراسیون همچنین پنج نایب رییس، یک نایب رئیس از هر کدام از مناطق پنج گانه آن نیز انتخاب شدند. بر پایه آراء اخذ شده خانم "انی راجا" از فدراسیون ملی زنان هندوستان برای منطقه آسیا، روت نتو از سازمان ملی زنان آنگولا برای منطقه آفریقا، مایادا عباسی سفیر فلسطین در برزیل، برای کشورهای خاورمیانه، اسکوی کوموموس از فدراسیون تشکیلات زنان قبرس برای اروپا، و ماریا اینس براسکو از فدراسیون ملی زنان آرژانتین برای منطقه قاره آمریکا انتخاب شدند.

کنگره چهاردهم "فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" از همه نظر نقطه عطفی برای تحولات این مجمع پراهمیت زحمتکش جهان قلمداد می شود.

بخش هایی از پیام تشکیلات دموکراتیک زنان ایران به کنگره چهاردهم "فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" کاراکاس - ونزوئلا

رفقا و دوستان عزیز!

از طرف تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، یکی از قدیمی ترین اعضای فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان، برگزاری کنگره فدراسیون جهانی زنان را به شما تبریک گفته و برای چهاردهمین کنگره در پیشبرد امر مبارزه دشوار و پیگیرش برای ساختن جهانی عاری از جنگ و فقر و خشونت و رفع تبعیض جنسی و طبقاتی آرزوی موفقیت داریم... ما اعتقاد راسخ داریم که همبستگی و مبارزه مشترک زنان جهان، به ویژه دستاوردهای ارزشمند جنبش جهانی زنان در مبارزه با فقر و خشونت و رفع هرگونه تبعیض و در جهت توانمند سازی زنان

ادامه زنان جهان بر ضد ...



شرکت هوگو چاوز در مراسم چهاردهمین کنگره فدراسیون

را اشتغال و افزایش مشارکت اقتصادی آنان تشکیل می دهد که در این رابطه دولتها ملزم به اصلاحات قانونی و اداری برای دستیابی کامل و مساوی زنان به منابع اقتصادی هستند.

در حوزه مسایل حقوقی، زنان ایران خواهان لغو قوانین زن ستیز در قانون اساسی و قوانین مدنی هستند. قوانینی مانند داشتن حق طلاق، حق قیمیت و حضانت بر فرزند، تصویب حقوق برابر در ازدواج، حق اشتغال و مسافرت بدون اجازه همسر، حق شهادت و دیه برابر و تعیین سن کفبری دختران به ۱۸ سال از آن جمله است. زنان خواهان لغو اعدام نوجوانان و لغو سنگسار، این قانون قرون وسطایی، هستند. مبارزات پیگیر و مسالمت آمیز زنان در این زمینه و فعالیت در "کمپین علیه قانون سنگسار" و کمپین "یک میلیون امضا" برای لغو قوانین زن ستیزانه که نه فقط یک میلیون امضا بلکه رفتن به میان توده زنان و سازماندهی آنان را پیش روی قرار داده است و نیز کارزار آزادی ورود دختران به ورزشگاه ها که شکستن جدا سازی جنسی در مجامع عمومی را هدف قرار داده است، نمونه هایی ارزنده از مبارزه دشواری است که امروزه فعالان زن در ایران با تمام قوا آن را به پیش می برند. در مقابل رژیم نیز با دستاویز "اقدام علیه امنیت کشور" و "رهکرد از بیگانگان" به سرکوب زنان و دستگیری و شکنجه و تهدید آنان اقدام کرده و آخرین آن، دستگیری بیش از ۳۴ نفر از فعالان زن در آستانه هشت مارس بود که با اعتراض و مبارزه آزادی خواهان ایران و جهان رژیم مجبور به عقب نشینی گردید و در مقابل پرداخت وثیقه آنان را آزاد کرد.

جمهوری اسلامی مخالف پیوستن ایران به "کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان" که ۹۸ کشور جهان آن را امضاء کرده اند است در شرایط حاضر گردهم آبی های مسالمت آمیز زنان به طرز خشن و وحشیانه سرکوب می شود و رژیم اجازه برگزاری هیچ گونه تجمع مسالمت آمیز را نداده و هرگونه ندای حق طلبی را با زندان و شکنجه پاسخ می دهد. با این حال مبارزه زنان در شرایط دشوار به اشکال مختلف ادامه دارد. زنان ایران امروز در دو جبهه می رزمند: مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی و محو ستم جنسی و نیز مبارزه علیه جنگ و جنگ افروزان....

زنان مبارز و آزاده جهان!

ما از شما می خواهیم که صدای صلح طلبی و آزادی خواهی زنان ایران را به گوش جهانیان برسانید و با همبستگی و پشتیبانی خود از مبارزات دلیرانه زنان ایران در دستیابی به حقوق انسانی آنان، هم صدا با زنان ایران، عفريت شوم جنگ و سیاست های جنگ افروزانه امپریالیستی را محکوم کنید تا یکبار دیگر میهن ستمدیده ما شاهد نابودی بیشمار انسانها و ویرانی نباشد.... ما خواهان حمایت فعال و متقابل از کارزارهای تشکل های دموکراتیک و مستقل زنان هستیم.

با آرزوی موفقیت هر چه بیشتر در برگزاری کنگره، همبستگی پرشور خود را با مبارزات زنان مبارز و مترقی سراسر جهان بر ضد جنگ، فقر و محو هرگونه خشونت و ستم جنسی و طبقاتی اعلام می داریم.

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران

و دستیابی به برابری جنسیتی، سیمای جهان را در قرن حاضر به نفع پیروزی توده ها و در پیوند با آن، دستیابی زنان به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تغییر خواهد داد. با این حال هنوز جنگ ها و فقر و بی عدالتی که حاصل سیاست های نو لیبرالی امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی داخلی است، نمی تواند نگرانی شدید نیروهای مترقی از جمله زنان را برنیانگیزد.

به همین دلیل امروزه نقش برجسته زنان در مبارزه بر ضد جنگ و فقر در کنار مبارزه برای رفع ستم جنسی و طبقاتی، به بخش جدایی ناپذیر مبارزه نیروهای مترقی برای دستیابی به صلح و آزادی و بر ضد سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم مبدل شده است.

دوستان عزیز!

بشریت مترقی امروزه نگران جنگ و بحران دیگری در خاورمیانه است، و کشورما در مرکز این بحران قرار دارد. سیاستهای بحران آفرین رژیم حاکم بر ایران در همسویی با سیاستهای محافل جنگ طلب جهانی میهن ما را در آستانه جنگی خانمانسوز قرار داده است که فقط با کارزار و همبستگی جهانی بر ضد محافل جنگ طلب و نیز علیه سیاست های ضد مردمی و ضد حقوق بشری رژیم ولایت فقیه می توان سایه شوم جنگ را از میهن ما دور کرد. رژیم حاکم در ایران ناتوان از برآوردن وعده های اقتصادی خود به توده ها نیاز مبرم به "بحران" سازی و سرکوب مبارزات حق طلبانه توده ها دارد و در عین حال امپریالیسم آمریکا و متحدانش با استفاده از این فرصت به بهانه "حفظ صلح جهانی" در پی مقاصد شوم جنگ طلبانه خویش اند تا به اهداف سلطه جویانه و برنامه ریزی شده خود در منطقه جامه عمل بپوشانند.

امپریالیسم و ارتجاع داخلی میهن ما را در آستانه فاجعه ای هولناک قرار داده اند که از یک طرف سایه شوم جنگ و تحریم اقتصادی زندگی توده های محروم میهن ما را تهدید می کند و از طرف دیگر رژیم واپسگرا و ضد مردمی ولایت فقیه بسیاری از حقوق انسانی و دموکراتیک توده ها را بر نمی تابد و به بهانه "امنیت" و شرایط ویژه، با دست بازتر به سرکوب آزادی خواهان و از جمله زنان پرداخته تا به سیاستهای ضد مردمی خود شتاب بیشتری دهد.

زنان مبارز آزاده جهان!

امروزه وجود هزاران زن فعال اجتماعی - نویسنده و مترجم، حقوقدان، خبرنگار، کارگردان و فعال در انجمن های غیردولتی و خیل عظیم زنان تحصیل کرده دانشگاهی - ۶۵ درصد دانشجویان ایران دخترند - نشان از تلاش بی امان زنان ایران در دستیابی به حقوق انسانی خود و در جهت حضور موثر در عرصه اجتماعی اقتصادی و سیاسی دارد.

هر چند که در حال حاضر رژیم زن ستیز با بستن نشریات و فیلتر گذاری سایتهای زنان و سانسور کتابها و منحل کردن برخی از سازمانهای غیردولتی که در زمینه مسایل زنان فعالند، جنبش مستقل زنان را نیز مانند جنبش دانشجویی و جنبش کارگری تحت فشار قرار داده و زنان مبارز و فعال را دستگیر، زندانی و شکنجه می کند، اما مبارزه زنان به اشکال مختلف ادامه دارد.

در عرصه اقتصادی نیز با سیاست تبعیض جنسی و تقسیم شغل ها به مردانه و زنانه، دامنه انتخاب شغل را برای زنان محدودتر ساخته و سیاست خانه نشین کردن آنان را با تصویب لوایحی مانند نیمه وقت کار کردن بانوان و بازنشستگی پیش از موعد و محدودیت ورود دختران به برخی از رشته های دانشگاهی و سیاست تبعیض به نفع پسران را به پیش می برد، در حالی که مطابق اسناد کنفرانس پکن، مهم ترین راهکار توانمند سازی زنان

ادامه آزمون دشوار ...

شرایط بفرنج و دشوار کشور این اجازه را به مرتجعان حاکم داده است که برنامه خود را با سرعت و بدون مقاومت موثر به پیش ببرند. سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) در بیانیه بی که به مناسبت شرایط دشوار کشور منتشر کرد ضمن اشاره به حوادث کنونی از جمله اشاره کرد که روند کنونی: "نشانه های شکل گیری مجدد پروژه های امنیتی دگر سازی و دگرستیزی دوران سیاه قتل های زنجیره ای را نشان می دهد." این اعلامیه در ادامه می افزاید: "اگر تاکنون برخوردهای انجام شده با معلمان، کارگران، زنان وحتی پسران و دختران در کوچه و خیابان، بهانه هایی از جنس نقض قانون حاکم و یا تامین سلامت اخلاقی جامعه داشته است، متأسفانه رویکردهای جدید نشان از ورود طراحان به حوزه امنیت ملی و تهدید موجودیت و هستی مخالفان دارد. تاکنون اگرچه تفسیر حاکمان از رفتاری، عملی، گفته یا نوشته ای می توانست مبنای برخورد های قضایی و امنیتی باشد، از امروز صرف حضور و وجود مخالف غیرقابل تحمل پنداشته شده و برای حل مشکل حضور مخالفان وضع موجود از روش تولید بهانه و جعل فعل و نظر استفاده خواهند کرد."

سازمان "مجاهدین انقلاب اسلامی" نیز در ارزیابی حوادث هفته های اخیر، خصوصاً برنامه از پیش طراحی شده دانشگاه امیر کبیر از جمله هشدار داد که: "با توجه به شواهد فوق به گمان ما این ماجرا با طراحی باند در حال بازسازی همفکران سعید امامی و حمایت لجنستیک برخی نهادهای دارای تشکیلات امنیتی و طرفدار افراطیون حاکم طراحی شده است؛ مجموعه ای از سنخ همان کسانی که با به راه انداختن کارناروال عصر عاشورا ثابت کردند برای حفظ قدرت و حذف رقیب از هیچ اقدامی نظیر اهانت به مقدسات و بازی با ایمان مردم فروگذار نمی کنند." به گمان این سازمان: "احتمالاً در ماه های آینده با اشکال دیگری از این بحران های تصنیی مواجه خواهیم شد. این بحران ها با دو هدف صورت می گیرد: اول آنکه افکار عمومی از تحولات و تحرکات تامل برانگیزی که در عرصه سیاست خارجی و پرونده هسته ای در حال وقوع است، به سوی مسائل کاذب و حاشیه ای منحرف شوند. به هر حال مسائلی نظیر آغاز مذاکرات گسترده با آمریکایی ها که تا چندی پیش اقدامی ضدانقلابی و نشانه مرعوب بودن تلقی می شد و تحولاتی که در حوزه پرونده هسته ای در حال انجام است، سوال های پیچیده و بی پاسخی را در افکار عمومی موجب خواهد شد."

آخرین گزارش های رسیده حاکی از ادامه روند دستگیری ها و آزار و اذیت دیگرانندیشان و مبارزان راه آزادی است. "ادوار نیوز" در گزارشی که روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت از دستگیری سه تن دیگر از دانشجویان پلی تکنیک خبر داد و نوشت: "در حال حاضر بجز احمد قصابان، مقداد خلیل پور، مجید شیخ پور و پویا محمودیان ۴ مدیرمسئول نشریات دانشجویی دانشگاه پلی تکنیک که ۲ تن از آنان با آرای بالای دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک به عضویت شورای مرکزی انجمن این دانشگاه انتخاب شده اند، مجید توکلی دیگر عضو منتخب انجمن پلی تکنیک و بابک زمانیان مسئول روابط عمومی انجمن پلی تکنیک در زندان اوین بسر می برند." همچنین خداداد معاون امنیتی دادستان تهران، که از منظور ترین چهره های دادستانی تهران است و کسی است که نقش اساسی در دستگیری و آزار فعالان جنبش دانشجویی در جریان قیام دانشجویی سال ۱۳۸۲ داشت، در مصاحبه بی با خبرگزاری فارس از ادامه تهاجم و دستگیری فعالان دانشجویی خبر داد و اعلام کرد که: "علاوه بر پنج نفر دستگیر شده چند نفر دیگر نیز در این ارتباط شناسایی شدند که احتمالاً به زودی دستگیر شوند." وی در مورد دلایل دستگیری افراد دستگیر شده گفت: "به لحاظ خیانت و عنادی که در این نشریات نسبت به اسلام و مقدسات شده است هیچ کدام از مدیران مسئول دستگیر شده حاضر نیستند که مسئولیت این کار را بر عهده بگیرند."

همچنین لازم به تذکر است که روز ۱۲ اردیبهشت ماه نیز نیروهای امنیتی رژیم در حمله ای خشن شماری از معلمان معترض را که در میدان بهارستان، در مقابل مجلس، گردهم آمده بودند دستگیر و روانه زندان و شکنجه گاه کردند. در نامه اعتراضی که با عنوان "سازمان معلمان کشور" خطاب به فرسیدی، وزیر مرتجع دولت احمدی نژاد منتشر شد، درباره برخورد سرکوب گرانه نیروهای انتظامی با اعتراض معلمان از جمله آمده است: "شما را چه شده که تازیانه برداشته و اینگونه پیکر نحیف و رنجور معلم را می زیند. مگر گناه این افراد چیست؟ ... مگر معلمان بجز اجرای نظام پرداخت هماهنگ و رفع تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا چیز دیگری خواسته اند؟ ... مطمئن باشید برخوردهای قهر آمیز با معلمان و ایجاد فضای رعب و وحشت و امنیتی کردن محیط تعلیم و تربیت نه تنها هیچ عامل بازدارنده ای نخواهد بود بلکه با توجه به انس و الفت و اتحاد معلمان شرایط را برای شما و دیگر مسئولان سخت نیز خواهد شد."

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن شدید اقدام های سرکوب گرانه نیروهای انتظامی رژیم ولایت فقیه بر ضد دانشجویان، معلمان، زنان و کارگران کشور، معتقد است که تنها راه مقابله با تهاجمات فزاینده ارتجاع مبارزه متحد و سازمان یافته همه نیروهای آزادی خواه و گردان های اجتماعی است. ادامه روند کنونی بی شک می تواند هزینه سنگین و مشکل زا برای جنبش آزادی خواهانه کشور به همراه داشته باشد. باید بر تلاش های گوناگون برای ایجاد یک اتحاد وسیع سیاسی - اجتماعی افزود. راه مقابله با برنامه های خطرناک ارتجاع برای نابودی کامل روند اصلاحات و درهم کوبیدن مقاومت نیروهای اجتماعی - سیاسی کشور مبارزه مشترک و سازمان یافته توده ای است.

از مراسم روز جهانی کارگر در ایران و جهان

ایران

با وجود تضییقات پیش آمده فراروی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر از سوی برخی دستگاه های ذی ربط و تأخیر در صدور مجوز، رد پیشنهادات کارگران در خصوص مکان برگزاری تجمع و مراسم گرامیداشت یازدهم اردیبهشت ماه - روز جهانی کارگر - بیش از ۱۰ هزار تن از کارگران کشور با شرکت در این مراسم در استادیوم ورزشی شیروودی [امجدیه سابق] ضمن برشمردن مطالبات صنفی خود، از مسوولان خواستند تا پیش از آنکه مشکلات کارگران به بحرانی فراگیر و غیر قابل کنترل تبدیل شود، در راستای حل مشکلات موجود به صورت جدی گام بردارند. گروه های خودجوش کارگران پس از پایان این تجمع در خیابان های تهران راه پیمائی کردند، و در رابطه با مخالفت کارگران کشور با سیاست های خانمان سوز رژیم و نهاد های دولتی کارگر ستیز آن، شعار دادند. این تظاهرات با حمله خشن نیروهای امنیتی و انتظامی مواجه شد و تعدادی از کارگران زخمی و دستگیر شدند.

آمریکا

اول ماه مه امسال کارگران آمریکائی در صفوف ده ها هزار نفری با شعار "ما همه انسان هستیم - هیچ کسی غیرقانونی نیست"، برای دفاع از حقوق مهاجران به خیابان ها آمدند. در لوس آنجلس صد هزار نفر و در شیکاگو بیش از صد و پنجاه هزار نفر با پلاکاردهای اعتراضی در خیابان ها تظاهرات کردند.

تظاهرات بزرگی در شهرهای بریجتون نیوجرسی - کنت اسکوتر پنسیلوانیا جهت دفاع از حقوق کارگران مهاجر و محکوم کردن حرکتی که در جهت تصویب قوانین ضد مهاجران در کنگره آمریکا صورت می گیرد برگزار شد. این تظاهرات توسط کمیته حمایت از کارگران مزارع صورت گرفت.

در تظاهرات دیگری که در واشنگتن دی سی صورت گرفت ماکرینا کاردیناس مسئول حقوقی شبکه همبستگی با مکزیکی، که از یک هفته قبل از ماه مه در روزه اعتراضی بسر می برد، همراه با تظاهر کنندگان خواهان توقف تصویب لوایح ضد مهاجران در کنگره شد. آنها خواهان توقف اخراج مهاجران و تقویض ویزای اقامت دائم به مهاجران شدند.

آلمان

امسال نیز ده ها هزار تن از شهروندان آلمان به مناسبت روز جهانی کارگر به راه پیمائی پرداختند. بسیاری از راه پیمایان با خود پلاکاردهایی در پشتیبانی از عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست حمل می کردند و در کمال صلح و آرامش خواست های صنفی خود را مطرح کردند.

سندیکاهای آلمان، مثل همیشه، در اداره مراسم و تنظیم شعارها و ایراد سخنرانی ها در مراسم نقش تعیین کننده و کلیدی داشتند.

میشائیل زومر، رئیس اتحادیه ی کارگری آلمان، در اجتماعی که به مناسبت اول ماه مه برگزار شده بود، خواستار حقوق بیشتر برای کارکنان شد. وی گفت: "سودآوری سرشار شرکت ها امروز امری است که خود کارفرمایان بدان اعتراف دارند. بنابراین چرا باید این کارگران و کارکنان باشند که از این سودآوری بی بهره بمانند؟ برعکس، کارگران و کارکنان سهم خود را می خواهند. هرچه باشد رونق اقتصادی حاصل کار ایشان است و نه مدیران."

ادامه مصاحبه با یکی از رهبران ...

و تأمین اجتماعی اعتصاب می کنند.

پرسش: نظر تان راجع به نقش سازمان های زنان در کارزار صلح چیست؟

پاسخ: جایگاه جنبش جهانی زنان و فدراسیون در خط مقدم جبهه ضد امپریالیستی و در کنار نیروهای صلح دوست و خواهان عدالت اجتماعی است. اما صلح صرفاً به معنای نبود جنگ نیست، بلکه به معنای نبود دلایل سبب ساز جنگ است. تأکید بر همین دیدگاه است که تعیین کننده جهت و محتوای پیکار ماست؛ پیکاری که جنبش سازمان یافته زنان باید تدارک ببیند، در ضمن این که در جنبش جهانی ضد جنگ، کارزارهای ضد ناتو و دیگر اقدام های دسته جمعی شرکت می کند که اخیراً سازمان یافته اند.

پرسش: چه تصمیم های سازمانی عمده ای در کنگره گرفته شد؟ شنیدیم که شما به عنوان نایب رییس فدراسیون انتخاب شدید. تبریک می گویم!

پاسخ: در جریان کنگره، بخش ویژه ای به اصلاح آیین نامه به منظور انجام تغییراتی با هدف بهبود کارکرد فدراسیون اختصاص داده شد. من، به نمایندگی از جنبش زنان قبرس - پوگو - به عنوان یکی از نایب رییس های فدراسیون انتخاب شدم. در ساختار دموکراتیک فدراسیون ۵ مقام نایب رییس پیش بینی شده است که علاوه بر من که نماینده قبرس بودم، دیگر نایب رییس ها از سازمان های زنان کوبا، هندوستان، آنگولا و فلسطین هستند. ماریسا کامپوس از برزیل مجدداً به عنوان رییس فدراسیون انتخاب شد. کمیته رهبری فدراسیون مرکب است از ۹ سازمان عضو از همه ۵ منطقه.

متشکرم از تبریک گویی شما برای انتخاب شدنم به سمت نایب رییس، اما همان طور که می دانید کاری که ما برای ارتقای حضور فدراسیون در جهان و برای نمایندگی واقعی زنان جهان به پیش می بریم، کاری است پیوسته و دسته جمعی. فقط با زحمت و تلاش زیاد است که ما خواهیم توانست فدراسیون را در پیشاهنگی و خط مقدم پیکار زنان جهان قرار دهیم.

کنگره ونزوئلا رویداد پراهمیتی برای زنان جهان بود. با شرکت نمایندگانی از شمار زیادی از کشورها، از طریق بحث درباره مسائل کلیدی و حیاتی ای که زنان سراسر جهان با آنها دست به گریبانند، ما می توانیم تلاش هایمان را با هم یکی و هماهنگ کنیم و حضور فدراسیون را در جهان پر رنگ تر کنیم. وظیفه همه ماست که همکاری مان و هماهنگی فعالیت هایمان را بیشتر کنیم تا بشریت مرفقی بتواند در برابر نظم نوین امپریالیستی و جهانی سازی نولیبرالی مقاومت کند، دنیا را به سود مردم دگرگون کند، و گزینه هایی مرفقی برای صلح، برابری، دموکراسی و عدالت جهانی ارائه دهد.

پرسش: چه پیامی برای خوانندگان ما و برای زنان کشور ما دارید که برای صلح، دموکراسی و حقوق بنیادی خود می رزمند؟

پاسخ: پیش از هر چیز می خواهم بگویم که سخت کوشی زنان ایرانی و به ویژه پیکار تشکیلات دموکراتیک زنان ایران را واقعاً تحسین می کنم. متأسفانه، وضعیت سیاسی کنونی جهان، "نظم نوین جهانی"، سیاست های نولیبرالی امپریالیسم، مداخله های نظامی یک جانبه توسط حاکمان کره خاکی، پیش شرط های لازم برای استقرار صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی را در جهان تأمین نمی کند. به همین دلیل است که فدراسیون و کنگره ونزوئلا باید نقطه آغاز تازه ای باشند در راه تحقق آرمان ها و آرزوهای مان برای آینده ای که در بردارنده برابری، دموکراسی، صلح و بهروزی است.

فدراسیون و شبکه ارتباط میان سازمان های عضو می تواند حامل و رساننده صدای زنان ایرانی باشد که در سراسر دنیا و در تمام همایش های بین المللی شنیده خواهد شد. فدراسیون و رهبری آن آماده اند که صدای شما را به گوش همه نهاد های بین المللی که در مورد زندگی ما تصمیم می گیرند برسانند. ما بر آنیم که حق گرفتاری است و کسی بدون مبارزه ما چیزی به ما نخواهد داد. ما امروز در جهانی زندگی می کنیم که عدالت را از دستور کار آن خارج کرده اند.

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان پشتیبانی خود را از پیکار زنان آزادی خواه و صلح دوست ایران و همبستگی اش را با آن اعلام می کند. شما خواهران ایرانی را به اتحاد تلاش هایمان، به تقویت حضور و پیکارمان برضد جهانی سازی نولیبرالی، تروریسم دولتی و جنگ های امپریالیستی فرا می خوانم. با تلاش متحد، همکاری و عمل هماهنگ است که ما می توانیم آرزوهای مان را تحقق ببخشیم. به همین دلیل است که ما لحظه ای در رزم برای برابری مان، برای عدالت اجتماعی و اقتصادی، و بالاتر از همه، برای استقرار یک صلح پایدار در جهان، درنگ نخواهیم کرد.

وزیدن گرفته است که به ما برای تقویت مبارزه مان بر ضد جنگ و بی عدالتی، برای ایجاد دگرگونی در جهان، و برای دستیابی به رفاه پایدار و همبستگی همراه با عدالت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جنسی، نیرو و امید می دهد.

بودن در کنار مبارزان کوبایی، زنان بولیویایی، اکوادوری و ونزوئلایی، و مردمانی که هدف حمله های ایالات متحده آمریکا قرار دارند، احساس مطبوع و وصف ناپذیری است. حضور هوگو چاوز در اجلاس ویژه کنگره، فرصت آن را به ما داد تا برنامه های سیاسی و قاطعیت او را در راه بازداشتن دخالت و تجاوز امپریالیسم آمریکا بشنویم. خلق های آمریکای لاتین رنجی طولانی کشیده اند، و از طریق دگرگونی هایی که در این قاره صورت گرفته است، به ویژه در پی انتخاب دولت های چپگرا و مرفقی، آرزوی خود را برای گرفتن سرنوشت شان در دست خود و همکاری کردن با یکدیگر برای ساختن آینده ای بهتر نشان داده اند، آینده ای که آکنده از عدالت، آزادی، برابری و صلح خواهد بود که در آن حکومت رفاه، ضامن حقوق همه مردم خواهد بود.

شرکت کنندگان در کنگره تلاش های چاوز در درون ونزوئلا و نیز کوشش های نیروهای دموکراتیک سیاسی و اجتماعی را که در پیکار تاریخی شان بر ضد امپریالیسم با یکدیگر متحد شده اند تحسین کردند و به آن درود فرستادند. هدف این تلاش ها دفاع از کشور در برابر هر گونه تجاوز، ایجاد یک الگوی سوسیالیستی برای ونزوئلا، و در هم کوبیدن ساختار سرمایه داری و شیوه های فاسد آن است که قرن ها مسبب استثمار اکثریت جمعیت کشور بوده است.

پرسش: ارزیابی کنگره از وضعیت پیکار زنان در عرصه بین المللی برای احقاق حقوق شان چه بود، و در مورد راه های گسترش این مبارزه چه نتیجه گیری هایی کرد؟

پاسخ: در بحث هایی که در گروه های کار و جلسه های همگانی صورت گرفت، انبوهی از آمار و ارقام ارائه داده شد. طبق برآورد سازمان ملل، در حال حاضر در حدود ۹۰ درصد قربانیان جنگ ها از غیر نظامیان هستند، که اکثریت بزرگی از آنها را زنان تشکیل می دهند. بی خانمانی، جنایت های جنگی، تجاوز به جان و مال مردم، بردگی، تهاهی اقتصادی، ویرانی زیر ساختار کشور، همه و همه از پیامدهای هر جنگ تجاوزکارانه ای هستند که توسط امپریالیسم آمریکا و ناتو و متحدان منطقه ای آنها به راه انداخته می شود. پیامد ستیز برای به دست آوردن کنترل بر منابع انرژی و تأمین منافع کشورهای سرمایه داری چیزی نیست جز جنگ و مداخله های نظامی، استقرار پایگاه های نظامی در همه جا، بر سر کار آمدن رژیم های دست نشانده، نیرو گرفتن ملیت گرایی، سیاست و اقتصاد نظامی شده، و تغییر نقشه کل مناطق جغرافیایی مطابق با طرح های راهبردی کشورهای "گروه ۸" و ناتو.

سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول منجر به راندن زندگی ۲/۸ میلیارد نفر در سراسر جهان به زیر خط فقر شده است، که ۷۰٪ آنان را زنان تشکیل می دهند. زنان برای به دست آوردن یک لقمه نان، از ۱۳ سالگی روزی ۱۲ تا ۱۶ ساعت در کارخانه های فرا ملی تحت شرایطی طاقت فرسا کار می کنند.

به جرأت می توانم بگویم که از مهمترین لحظه های کنگره زمان هایی بود که بسیاری از شرکت کنندگان همبستگی خود را با مردمی اعلام می کردند که تحت ستم حاکمان امپریالیستی و شرکت های فرا ملی قرار دارند، از جمله مردم قهرمان کوبا، فلسطینی ها و لبنانی ها، مردم عراق، افغانستان، و مردمی که برای به دست آوردن حق کار، برای آموزش، بهداشت و درمان،

مصاحبه با یکی از رهبران "فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان"

"ما از بیکار زنان آزادی خواه و صلح دوست ایران پشتیبانی می کنیم"
مصاحبهٔ تشکیلات دموکراتیک زنان ایران با خانم "اسکوی کوکوما" نایب رییس
"فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان" و مسئول امور بین المللی "فدراسیون
تشکیلات زنان قبرس" - پوگو



پایان رساندند.
موضوع های مورد
بحث در این کارگاه
های آموزشی عبارت
بودند از: تأثیر منفی
جهانی سازی
نولیبرالی بر زنان؛
مبارزهٔ زنان و تأثیر
تروریسم دولتی،
جنگ ها و اشغال
امپریالیستی، و پیکار
زنان در راه استقلال
ملی؛ قاچاق زنان و
کودکان و سوء
استفاده های تجاری
و کالایی از آنان؛
همبستگی بین المللی

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان پشتیبانی خود را از بیکار زنان آزادی
خواه و صلح دوست ایران و همبستگی اش را با آن اعلام می کند. شما خواهان
ایرانی را به اتحاد تلاشی هایمان، به تقویت حضور و پیکارمان بر ضد جهانی
سازی نولیبرالی، تروریسم دولتی و جنگ های امپریالیستی فرا می خوانیم.

برضد سرکوب سیاسی زنان و همه اشکال خشونت علیه زنان؛
دفاع از حقوق زنان بومی و یا آفریقائی تبار در ارتباط با فرهنگ و
برابری آنها؛ حق کار، درمان و بهداشت، آموزش، تأمین اجتماعی،
و پیکار بر ضد گرسنگی؛ نقش رسانه ها در ارائهٔ تصویر منفی از
زنان؛ حضور زنان در قدرت و تصمیم گیری های سیاسی؛ فمینیسم
و نظریهٔ جنسیت؛ و تاریخ و نقش فدراسیون در دفاع از حقوق زنان،
و پیکار در راه کسب استقلال ملی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و
صلح.

پرسش: لطفاً در مورد میزبان کنگرهٔ چهاردهم، یعنی ونزوئلا،
و این که این کنگره چه تفاوتی با کنگرهٔ پیش داشت مختصری
توضیح بدهید. آیا چاوز در کنگره حاضر شد و سخنرانی کرد؟ اگر
کرد، نکات عمدهٔ سخنران او چه بود؟

پاسخ: هر کنگره ای اهمیت خودش را دارد. کنگرهٔ قبلی در
لبنان برگزار شد؛ منطقه ای که جنگ و پیاده کردن سیاست های
تجاوزکارانهٔ اسرائیل با پشتیبانی ایالات متحد آمریکا و متحدانش
در آن جریان دارد. فدراسیون برای ابراز پشتیبانی و همبستگی اش
همیشه در آنجا حاضر خواهد بود.

امروز کوشش های بشریت مترقی نگاه ما را به سوی تحولات
آمریکای لاتین کشانده است. نسیم تازه ای بر کرهٔ خاکی ما

پرسش: با تشکر از این که پذیرفتید با ما مصاحبه کنید. می دانم که شما تازه از
کنگرهٔ فدراسیون در کاراکاس، ونزوئلا، باز گشتید، پس اجازه بدهید مصاحبه را با
بحث دربارهٔ این کنگرهٔ مهم آغاز کنم. ممکن است مختصری در بارهٔ تدارک کنگره
توضیحی بدهید؟

پاسخ: تدارک چهاردهمین کنگرهٔ فدراسیون در نشست کمیتهٔ اجرایی آن، که در
آوریل سال ۲۰۰۶ در پرتغال برگزار شد، آغاز شد. اقدام های مقدماتی تدارک کنگره
در نشست کمیتهٔ اجرایی در نوامبر گذشته در رُم نهایی شد و کارهای تدارکاتی
مطابق برنامهٔ زمان بندی شده پیش رفت. باید اقرار کنم که سازمانی که من متعلق
به آن هستم، یعنی جنبش زنان "پوگو" در قبرس، تمایل زیادی داشت که میزبان و
برگزار کنندهٔ این کنگره باشد، ولی همه به اتفاق آرا تصمیم گرفتیم که برای نشان
دادن همبستگی مان با مبارزهٔ مردم آمریکای لاتین، کنگره را در ونزوئلا برگزار کنیم.
هر پنج دفتر منطقه ای فدراسیون که مسئول مناطق آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا،
اروپا و خاورمیانه هستند، برای تدارک کنگره زحمت زیادی کشیدند، و برای برقراری
ارتباط هر چه نزدیک تر با تمام اعضای فدراسیون و نیز دیگر نهادهای بین المللی
تلاش زیادی به خرج دادند.

پرسش: چند سازمان و از کدام کشورها در کنگره شرکت داشتند؟ موضوع های
اصلی بحث کنگره چه بودند؟

پاسخ: بیشتر از ۱۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۶۵ سازمان های ملی و منطقه ای
زنان از ۸۴ کشور جهان در کنگره شرکت داشتند. اگر بگویم که زنان از سراسر کرهٔ
خاکی در کاراکاس حضور داشتند، اغراق نکرده ام. اینان زنانی هستند که برای احقاق
حقوق شان، و برای نجات دادن کرهٔ خاکی ما از چنگال حاکمان امپریالیستی مبارزه
می کنند که بشر را به سوی فقر، مرگ و تیره روزی می کشانند. بِن مایهٔ کنگره خود
بیانگر این تعهد است که "زنان جهان، نیرویی حیاتی اند برضد جهانی سازی
نولیبرالی، تروریسم دولتی و جنگ های امپریالیستی، و در دفاع از برابری، عدالت
اجتماعی و اقتصادی، و صلح."

در جریان برگزاری کنگره، ۱۰ کارگاه آموزشی نیز ترتیب داده شده بود که امکان
بحث های مفصل تر حول موضوع های اصلی کنگره را به زنان می دادند. همهٔ این
کارگاه ها کارشان را با ارائهٔ پیشنهاد های مشخص برای فعالیت آتی فدراسیون به

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

رفقای هوادار حزب از نیکوزیا
به مناسبت ۶۵ سالگی حزب، آرش و ویکتور از ایران ۲۰۰ دلار
برای اول ماه مه از گتنبورگ، غرب سوئد ۲۵۰ کرون
به مناسبت اول ماه مه، سیامک از سوئد ۵۰۰ کرون
به مناسبت اول ماه مه، رفقا از برلین ۳۰۰ یورو

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 764
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

12 May 2007

شمارهٔ فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شمارهٔ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse